

«واقعیت این است که ژاپنی‌ها از اروپا تقلید کرده‌اند. زیرا مانند ما ایرانیان مانعی به نام سنت بر سر راه خود ندارند و ... این گفته یکی از رجال سیاسی مشهور ایران به نام میرزا ملکم‌خان است که در مقاله‌ای از وی به سال ۱۸۹۱ م. در مجله‌ای انگلیسی چاپ گردید.^۱ عبارت اول به قدر کافی روشن به نظر می‌رسد، اما دومی چطور؟ آیا واقعاً ژاپنی‌ها در رقابت با اروپا به هیچ مانعی برخوردند؟ مهم‌تر این که، چرا ژاپن چنان نقش برجسته‌ای در برابر چشمان تماشاگران ایرانی و عثمانی بازی کرده است؟ سیاستمداران اصلاح‌طلب و روشنفکران هر دو کشور طوری به این سرزمین خاوردور

مسلمانان مورد بحث قرار گرفت. آنها معتقد بودند که موفقیت نظامی ژاپن به این دلیل بوده که در طول چند دهه جامعه آنها به سطح کافی از صنعت و تکنولوژی مورد نیاز دست یافته بود.

واکنش مسلمانان نسبت به پیروزی ژاپن بر یک قدرت اروپایی پیش از این مورد پژوهش قرار گرفته است. کلاوس کریزر (Klaus Kreiser) مطالب منتشره درباره ژاپن را در مطبوعات مختلف متعلق به روشنفکران مسلمان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. به اعتقاد وی، ژاپن مقیاس مناسبی است که با آن می‌توان واکنش‌های متفاوت و مشترک مسلمانان را نسبت به انتقال موفقیت‌آمیز اصول و موازین اروپایی و دستاوردهای علمی و فنی

چگونه ترسیم شده است؟ روشن است که اطلاعات درباره ژاپن، تاریخ، جامعه و عقاید مذهبی این کشور بسیار اندک بوده است. منابع عمده اطلاعات در مورد کشورهای خارجی برای خوانندگان ایرانی و عثمانی، روزنامه‌ها بودند. یکی از مهم‌ترین مطبوعات فارسی در قرن نوزدهم روزنامه‌ی «اختر» بود. این روزنامه توسط بازرگانی ایرانی از ۱۸۷۶ م. تا ۱۸۹۶ م. در استانبول به چاپ می‌رسید، و به طور گسترده توسط فارسی‌زبانان قلمرو عثمانی، مصر، ایران، هند و چند شهر اروپایی مطالعه می‌گردید. دست‌اندرکاران روزنامه و خوانندگان آن با ارسال نامه درباره موضوعاتی از قبیل تأثیر اروپا، نوسازی، اسلام و مشروطه، بحث می‌نمودند.^۲

برخلاف نشریات رسمی که در ایران منتشر می‌شد، «اختر» روزنامه‌ای «نوگرا» بود که رویدادها و جریان‌های مهم جهان را به اطلاع خوانندگان خود می‌رساند. احتمالاً دو مثال زیر کافی است که اهمیت و تأثیر «اختر» را روشن سازد:

۱. وقتی که در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ م. نخستین قانون اساسی عثمانی اعلام گردید، خوانندگان «اختر» تنها شش هفته بعد یعنی در هفتم فوریه ۱۸۷۷ م. در جریان ترجمه فارسی آن قرار گرفتند.^۳ در حالی که، در دفتر امور خارجه ایران نسخه‌ای از ترجمه آن تهیه شده بود،^۴ ایرانیان اهل مطالعه توسط «اختر» از نظام نوین تازه تأسیس در کشور همسایه باخبر شدند. مطبوعاتی که در ایران چاپ می‌شدند، اشاره‌ای به قانون اساسی عثمانی نکردند.^۵ روزنامه «اختر» برکناری مدحت پاشا، «پدر» مشروطه و پارلمان عثمانی را نیز گزارش کرد.^۶

۲. نقش «اختر» در نهضت تنباکو موضوعی است که پیش از این به طور دقیق مورد تحقیق قرار گرفته است.^۷ مقالات این روزنامه درباره اعطای امتیاز تنباکو به یک تبعه بریتانیا، اعتراض عموم را برانگیخت و سبب شروع جنبش مقاومت در ایران گردید به گونه‌ای که سرانجام حکومت ایران مجبور به لغو امتیاز شد.^۸ در کنار موضوعات دیگر، مقالات «اختر» کمک کرد تا در طول دو دهه آخر قرن نوزدهم تصویری از ژاپن در حال توسعه در اذهان خوانندگان ایرانی، شکل گیرد.

اولین مقاله درباره ژاپن در نسخه‌های به جا مانده از «اختر»، که اکنون در اختیار ما قرار دارد، مربوط به مارس ۱۸۸۰ م. است. پس از آن چاپ این مقالات تا ۱۸۹۶ م. یعنی آخرین سال انتشار این روزنامه، ادامه یافت. این شانزده سال با دو مرحله آخر تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ژاپن قرن نوزدهم مصادف است.

در حالی که نیمه اول قرن نوزدهم نشان از اضمحلال نظام کهن در ژاپن دارد، زوال شوگون‌ها

ترقی و تمدن در ژاپن قرن نوزدهم

دولتی در شرق دور به مثابه الگویی برای نوگرایی

Progress and Civilization in Ninetenth - Century
Japan: The Far Eastern State as a Model for Modernization.

○ نوشته: Anja-Pistor-Hatam
(Ruprecht-Karla Universitat, Heidelberg)

○ ترجمه: منصور چهارازی
Iranian Studies, Volume ۲۹, number ۱-۲ Winter, Spring ۱۹۹۶

در یک کشور آسیایی اندازه گرفت. کریزر علاقه مسلمانان به توسعه ژاپن را در سه نقطه متمرکز می‌کند: «همدردی و خشنودی»، «جست‌وجوی دلایل ترقی» و «دعوت به اسلام».

در تحقیق دیگری هاشم رجب‌زاده به عنوان منبعی برای بررسی تأثیر جنگ بر مطبوعات فارسی زبان به «حبل‌المتین»^۱ استناد می‌نماید. وی بر این باور است که ایرانیان تحت تأثیر عزم و آمادگی ژاپنی‌ها قرار گرفته و پیروزی ژاپن بر روسیه را نتیجه «علم و آزادی» دانسته‌اند.^۲

آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته نوع اطلاعاتی است که از ژاپن قبل از جنگ با روسیه به مطبوعات جهان اسلام می‌رسید. به عبارت دیگر سیمای این کشور در روزنامه‌ها و مطبوعات دیگر

می‌نگریستند که گویی کسب تکنولوژی اروپاییان و پیشرفت این کشور تحت رهبری غرب کار آسانی بوده است.

با شروع قرن بیستم، ژاپن به یکی از اعضای «دنیای متدین» تبدیل شد، در حالی که ملت‌های دیگر هنوز در تلاش برای رهایی خود از «خواب غفلت» بودند.

حتی پیش از جنگ روسیه و ژاپن، که به ناگاه توانمندی‌های ژاپن در معرض دید عموم جهانیان قرار گرفت، در ۱۹۰۳ م. صدراعظم ایران، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان، که به تازگی از مقام صدارت برکنار شده بود، به دلیل علاقه شخصی از کشور ژاپن دیدن کرد. در هر حال، پیروزی ژاپن بر روسیه در ۱۹۰۵ م. به طور گسترده‌ای توسط

(باکوماتسو) Shogunate (bakumatsu) از ۱۸۵۳ م. تا ۱۸۶۷ م. را احتمالاً مرحله دوم می‌توان دانست. مرحله سوم روی کار آمدن میجی (Meiji) و دوره بعدی، اصلاحات بود، که از ۱۸۶۸ م. شروع شد و تا ۱۸۸۱ م. به طول انجامید. ساخت کشوری نوین در دو دهه آخر قرن نوزدهم، مرحله چهارم تغییرات در ژاپن را تشکیل می‌دهد.^{۱۳}

زمانی که «اختر» شروع به چاپ مقالاتی درباره ژاپن نمود، این کشور کاملاً در مسیر خود برای یکی شدن با نظام اقتصادی و دیپلماتیک جهان نوین بود. در دهه ۱۸۸۰ م. ژاپن سیاست انزواطلبی خود را کنار گذاشته و برای کسب احترام

نگریستن به روابط ژاپن با غرب «کسب دانش و مهارت در «به‌کارگیری بربریت برای کنترل بربریت» بود طرفداران «داروینیسم اجتماعی» به وجود یک نردبان ترقی تدریجی اعتقاد داشتند که ژاپن تنها با کسب «تمدن» می‌توانست از آن بالا برود و در آخر می‌ماند «میلی ساده برای ارضاء حس کنجکاوی»^{۱۴}.

○ «تمدن و روشنگری» در ژاپن قرن

نوزدهم:^{۱۵}

همان‌گونه که شاید در آن زمان برای همه روزنامه‌های خاورمیانه مرسوم بود، «اختر» مطالب تعدادی از جراید منتشر شده به زبان‌های مختلف

ولی طی مدت زمانی کوتاه در فراگیری علوم نوین و صنعت چنان پیشرفتی کرده که «تمامی جهان را شگفت‌زده ساخته است»^{۱۶}. علاوه بر اصلاحات نظامی (تسبیقات و تنظیمات عسکریه) در جای دیگر این گونه بیان شده که ژاپن پیشرفت سریع سیاسی (ترقیات ملکیه) نیز داشته است. نویسنده در ادامه می‌گوید، بیست سال پیش از آن زمان (حدود ۱۸۶۶ م.) ژاپن که هیچ‌گونه اطلاعی در مورد علوم نوین نداشت، در مقابل قدرت‌های اروپایی به زانو درآمد، طی دو دهه آخر قرن نوزدهم علم و صنعت اروپاییان کاملاً در ژاپن گسترش یافت و این واقعیت به حسادت تعدادی از کشورهای اروپایی منجر شد.^{۱۷}

منظره داخلی اولین کارخانه نخ‌ریسی ژاپن با سیستم تولید انبوه. این کارخانه در سال ۱۸۷۲ م. افتتاح شد

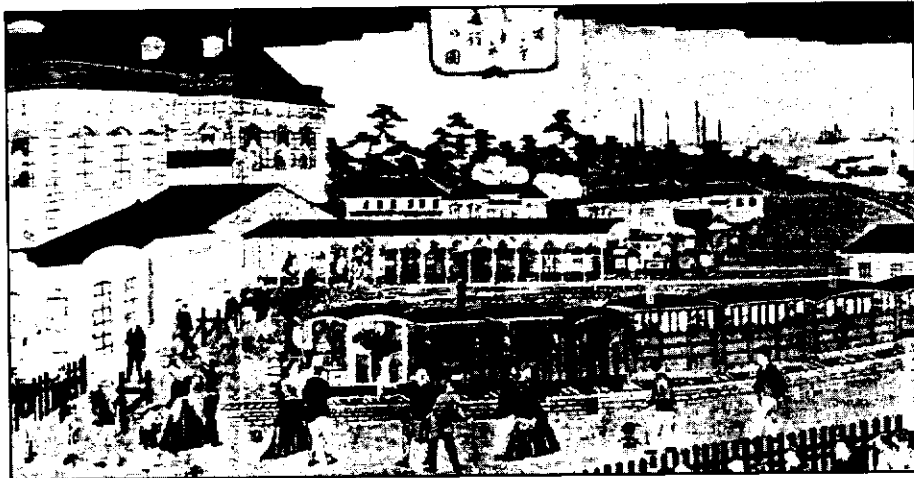


و قدرت تلاش می‌کرد.^{۱۸}

با شروع مطالعات هلندیان در قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم، مشخص می‌شود که روشنفکران ژاپنی کنجکاو بودند تا مطالبی را درباره تمدن اروپا فرا گیرند. برخلاف ایران، عثمانی و چین، ژاپن سنتی طولانی در عاریه گرفتن تمدن خارجی - به عنوان نمونه از چین - و تطابق آن با فرهنگ خود داشته است. در نیمه قرن نوزدهم، این ویژگی به ژاپن کمک کرد تا بتواند به غرب رو نماید. شعار آنان از «روح ژاپنی، مهارت‌های چینی» به «روح ژاپنی، مهارت‌های غربی» تغییر کرد. در نتیجه، شعار حکومت «میجی» بدین شکل درآمد: «بهترین‌های فرهنگ اروپا را بگیریم تا نقاط ضعف فرهنگ ژاپن را در این مورد برطرف نماییم»^{۱۹}. شیوه‌های دیگر

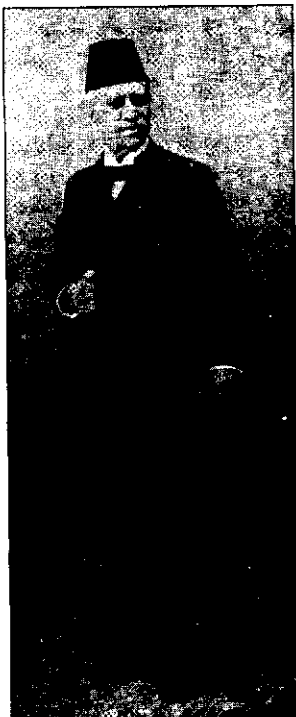
خارجی را تا حد زیادی به عاریه می‌گرفت. جزئیاتی که این روزنامه درباره ژاپن چاپ می‌کرد به طور عمده از طریق روزنامه‌های اروپایی و روزنامه عثمانی تحت عنوان «وقت»^{۲۰} بود. با این وجود دست‌اندرکاران «اختر» خود نیز در مورد توسعه ژاپن ابراز عقیده کرده و از این کشور به عنوان «نمونه یک دولت آسیایی موفق در نوسازی کشور» یاد می‌نمودند. بنابراین، عناوین مورد بحث آنها به خوبی با گفتمان جهانی درباره نوسازی منطبق بود. در مقالات گونه‌گون، ژاپن به واسطه پیشرفت سریع در راه رسیدن به تمدن تحسین می‌شود. در مقدمه مقاله‌ای راجع به «تعلیم و تربیت در ژاپن» حکومت این کشور به دانش‌آموزی تشبیه گردیده که تازه در راه کسب تمدن (مدنیت) گام برداشته،

ژاپن پیش از این از نظر تمدن و تعلیم و تربیت با روسیه در یک سطح قرار داشت^{۲۱} و مردم ژاپن می‌رفتند که «انگلیسی‌های آسیا»^{۲۲} گردند. به قول «اختر»، «ژاپن... از تحولات و ناملایمات غیرمنتظره و نابه هنگام، همانند دیگر کشورها صدمه ندیده است. از آنجا که این کشور بهبود بخشیدن به اوضاع مملکت را از بیست و پنج سال پیش شروع کرده است، در نتیجه، توانسته روز به روز قدرت نظامی بیشتری کسب نموده و به دلیل اجرای عدالت (نظامات)، آموزش (معرفت) و بازرگانی به ثروت خود بیفزاید. پرواضح است که بیست و پنج سال پیش، این کشور به هیچ عنوان خوب اداره نمی‌شد، مردم آن وحشی و رویگردان و نسبت به مزایای تعلیم و تربیت - صنایع دستی،



اولین راه‌آهن خط توکیو - یوکوهاما که در سال ۱۸۷۲ م. افتتاح شد

به عقیده روزنامه «اختر» روزنامه‌های منتشر شده در توکیو و اوزاکا در پیشرفت این کشور، سهم مهمی داشته‌اند



«میرزا ملکم خان»

درباره تعلیم و تربیت، اظهار نظرهایی صورت می‌گیرد.

در طول نیمه دوم قرن نوزدهم در امپراتوری عثمانی و ایران، پیش از آن که اساس تعلیم و تربیت عموم مد نظر قرار گیرد، تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان گسترش یافت. برخلاف آنها، حکومت ژاپن ابتدا تلاش نمود تا سواد عموم مردم را ارتقا دهد. مجموعه قوانین تعلیم و تربیت ۱۸۷۲ م. ژاپن به‌طور جدی اعلام کرد که: «از این زمان سوادآموزی برای کلیه مردم (اشراف، جنگجویان پیشین، دهقانان، پیشه‌وران و بازرگانان و همچنین زنان) الزامی خواهد بود. تا جایی که دیگر هیچ بی‌سوادی در خانواده‌های روستایی و خانواده‌های دیگر وجود نداشته باشد. والدین باید با دقتی محبت‌آمیز متوجه این امر باشند و از سوادآموزی فرزندان خویش غفلت نورزند».^{۲۱}

ژاپن توانست اساس اصلاحات مربوط به تعلیم و تربیت را بر میراث ماقبل نوسازی استوار سازد، بدین صورت که در این کشور بیش از دویست مدرسه دولتی، بیش از ۱۵۰۰ مدرسه خصوصی و حدود ۱۰/۰۰۰ مدرسه «معبد» ساخته شد.^{۲۲} پیش از این تا ۱۸۶۸ م. بین ۴۰ تا ۵۰ درصد پسران و احتمالاً ۱۵ درصد دختران ژاپنی نوعی تحصیلات رسمی را گذرانده بودند. در ژاپن قرن نوزدهم، تعداد مردمی که از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار بودند از بریتانیا و فرانسه معاصر آن زمان بیشتر بود.^{۲۳} در ۱۸۸۰ م. نزدیک به ۴۰ درصد کودکان ژاپنی به مدرسه می‌رفتند، در ۱۸۸۶ م. تعداد آنها به ۴۵ درصد افزایش یافت و در ۱۸۹۵ م. این تعداد به ۶۰ درصد رسید. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، ۹۰ درصد

«مدنیت ژاپن» بود که در مورد تفاوت میان حکومت‌ها و جوامع قبل و معاصر با ژاپن بحث می‌کند. نویسنده مقاله چنین اظهار می‌دارد که در گذشته، دولت بر فدا کردن عوام‌الناس متکی بود و آموزش را محدود می‌کرد، چون که می‌ترسید دانش و تمدن به ناآرامی منجر گردد. وی در ادامه می‌گوید که امروز مردم سراسر جهان از ترقی سطح بالایی که حکومت و مردم ژاپن از طریق تعلیم و تربیت به آن دست یافته‌اند، در شگفت هستند. نویسنده در پایان بیان می‌کند که هر زمان ترقی و تمدن مردم به سطحی از درجه پیش‌بینی شده می‌رسید، دولت حکومتی مشروطه را اعلام می‌کرد.^{۲۴}

در ادامه «اختر» چنین اظهار می‌دارد که انسان از خود می‌پرسد چه عاملی سبب گردیده تا ژاپن به چنین دستاوردهای عظیمی دست یابد و آن‌چنان در این راه گام بردارد تا به عضویت «جهان متمدن» درآید. مجدداً ما در این جا، با واژه‌ها و عقایدی که در سراسر جهان در قرن نوزدهم به کار می‌رفتند تا نوسازی را توصیف کنند، روبه‌رو می‌شویم: جدای از «تمدن» یا «مدنیت»، «ترقی»، «نظام»، «انتظامات»، «تربیت» و «تعلیم». مفاهیم اساسی عبارتند از: «مطبوعات»، «روزنامه» یا «اخبارنامه»، «راه‌های آهن» و «بازارگاه عمومی».

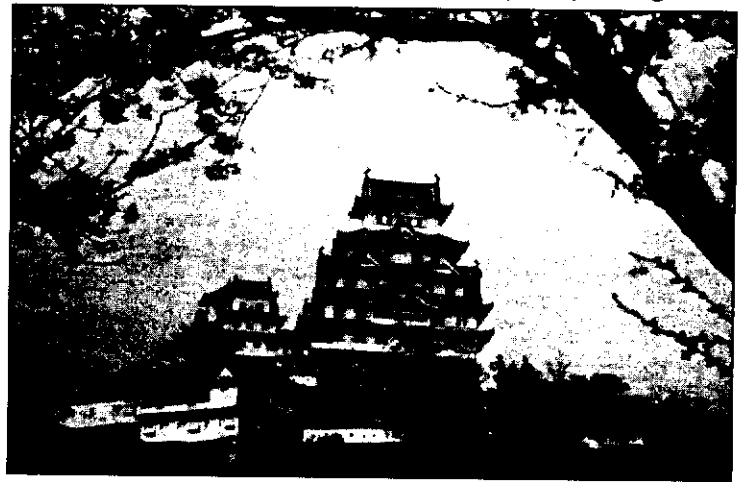
○ تعلیم و تربیت:

در بحث «اختر» راجع به توسعه و ترقی کشورهای مسلمان، علم و تربیت نقش مهمی را ایفا می‌کنند.^{۲۵} در نتیجه، تعجب‌آور نیست که مقاله مذکور ترجمه می‌شود و در مورد مقالات برگرفته از روزنامه «وقت» و گزارش‌هایی از حکومت ژاپن

تجارت و اداره حکومت (انتظامات) جاهل بودند. اما امروز، در مدت زمان کوتاهی، [ژاپن] مانند بیشتر کشورهای نظام‌یافته اروپا از هر نوع اصلاحات و مقررات سودمند بهره برده است».^{۲۶}

چنین به نظر می‌رسد که نویسندگان مطالب بالا اطلاع چندانی از وضعیت ژاپن نداشته‌اند. آنها به گونه‌ای از این کشور سخن می‌گویند که گویی ژاپن سرزمین غیرمتمدنی بوده، بدون آن که هیچ‌گونه حکومت قانونمند دولتی، مؤسسات آموزشی، تجارت یا ساختار نظامی داشته باشد. فرض بر این است که آنها پیش از این اطلاعی نداشته و در حقیقت تصویری را که از ژاپن در ذهن خود ساخته بودند واقعی می‌پنداشتند. در هر حال انسان تمایل دارد به این واقعیت شک کند که ژاپن به عنوان یک جانشین به کار می‌رفت. اگر ژاپنی‌ها می‌توانستند مانند «ققنوس» از میان خاکستر خود برخیزند و در توسعه‌های مدنی، اقتصادی و علمی به کشورهای اروپایی بپیوندند، ملت‌های دیگر نیز می‌توانستند مشابه همین کار را انجام بدهند. تصویری که از ژاپن پیش از آن که در جاده ترقی گام بردارد ترسیم گردیده، حتی اگر مبالغه‌آمیز هم باشد، نشان‌دهنده شباهتی انکارناپذیر در شیوه توصیف حکومت و جامعه در ایران از سوی روشنفکران اصلاح‌طلب معاصر آن دوره می‌باشد.

با این وجود، بنابراین اظهارات مطبوعات ایران، ژاپن به عنوان کشوری که تعلیم و تربیت و تمدن را پشت سر گذاشته، به تصویر کشیده شده است. در دسامبر ۱۸۸۰ م. «اختر» مطلبی را از روزنامه «وقت» اقتباس کرده که گمان می‌رود نخست در روزنامه‌ای ژاپنی به چاپ رسیده باشد.^{۲۷} عنوان این مقاله



هدف اصلی روزنامه‌ها در ژاپن رو به توسعه «گسترش آگاهی مردم» یعنی تخریب روح غرور و تعصب بی جا و هدایت مردم به سوی تمدن و روشنگری بود

کودکان ژاپنی در مدارس دولتی حضور یافته بودند.^{۲۶} اگر چه نقصان‌ها و کمبودها باقی ماندند، با این وجود، چارچوب یک نظام مدون تعلیم و تربیت در ژاپن، اکنون در جای درست خود قرار داشت.^{۲۷}

اولین مقاله درباره ژاپن که در مارس ۱۸۸۰ م. در «اختر» به چاپ رسید، گزارشی از «وزیر آموزش و پرورش ژاپن» (وزیر معارف دولت ژاپن) و برگرفته از روزنامه «وقت» بود.^{۲۸} در این گزارش سیستم تعلیم و تربیت ژاپن مربوط به ۱۸۷۲ م. توصیف شده بود.^{۲۹} حدود یک سال بعد، این روزنامه مجدداً مقاله‌ای به چاپ رساند که بنا به اظهاراتی برپایه مطالبی دیگر از وزیر آموزش و پرورش بود. نویسنده این مقاله به تعداد «دانش‌آموزان و معلمان و هزینه صرف شده در امر آموزش توسط حکومت ژاپن و تأسیس کتابخانه در سراسر کشور، اشاره داشت.^{۳۰} در شماره سوم فوریه ۱۸۹۰ م.، همین روزنامه دوباره مقاله‌ای متضمن اطلاعاتی راجع به تعلیم و تربیت در ژاپن به چاپ رسید، اما این بار بدون ذکر منبع: «اختر پیش از این درباره تلاش‌های عالی حکومت و مردم ژاپن در امر نشر جهانی تعلیم و تربیت، مطالبی نوشته است. بر اساس آخرین اخبار از این کشور، تعلیم و تربیت و ارتقا سطح دانش، آن‌چنان افزایش یافته که این موضوع سبب حیرت اروپاییان شده است.^{۳۱}» نویسنده سپس چنین ادامه می‌دهد که توکیو (Tokyo)، پایتخت ژاپن، یک مدرسه یا دانشگاه پلی‌تکنیک (دارالفنون)، یک دانشگاه تربیت معلم (دارالمعلمین) و دانشکده‌های حقوق، بازرگانی، موسیقی، علوم دریایی، داروسازی، صنایع‌دستی، صنعت معدن، جنگلداری، تلگراف و دیگر مؤسسات بالاتر آموزش دارد که با این دسته از

آموزشگاه‌ها در پایتخت‌های اصلی اروپا برابری می‌کند. علاوه بر این، پایتخت ژاپن مدرسی نیز برای کر و لال‌ها دارد.^{۳۲}

جالب است بدانیم که «اختر» نه از ایندولوژی و پس زمینه‌های سیاسی نظام، ذکری به میان می‌آورد و نه به‌طور مستقیم از کمبودها یا حتی نیاز به تعلیم و تربیت عموم مردم در امپراتوری عثمانی و ایران انتقاد می‌نماید. این، در مضمون دیگری به‌طور عمده به صورت انتقاد شدید در یک‌سری سرمقاله‌ها و نامه‌ها به سردبیر ظاهر می‌شود. در هر حال، این حقیقت که نظام تعلیم و تربیت ژاپن - به شکلی انتقادی پذیر همان طور که بوده - به گونه مشروحی توصیف شده، احتمالاً سبب گردید که خوانندگان «اختر» و «وقت» به این نتیجه برسند که اگر یک کشور «بی‌تمدن» آسیایی سابق توانسته است چنین سیستم آموزشی پیشرفته‌ای را ظاهراً با تلاش و کوشش توسعه بخشد، پس هر یک از همسایگان دور و نزدیک این کشور می‌توانند با سرمایه‌گذاری لازم بدین امر دست یابند. ژاپنی‌ها در راه آموختن درسی به اروپاییان و شکست آنها در بازی خودشان بودند. آنطور که در جای دیگری گفته شده، روزنامه‌های انگلیسی مغرورانه نوشته‌اند: همان‌گونه که همه می‌دانند، اساس ترقی هر کشور، اول، همگانی کردن تعلیم و تربیت و دوم، صنعت است. همان طور که «اختر» نیز بر این نکته تأکید داشته، ژاپن پیش از این، شرایط موجود را برای خود فراهم آورده است.^{۳۳}

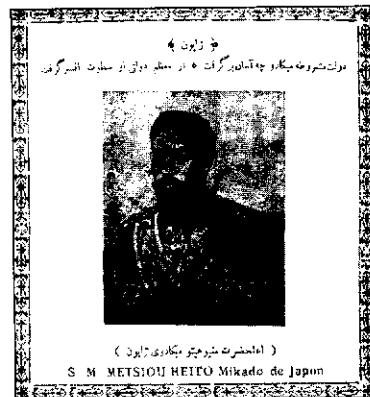
○ مطبوعات:

روزنامه «اختر» عقیده داشت که عامل اصلی

ترقی و نوسازی یک کشور، مطبوعات هستند. دست‌اندرکاران این روزنامه، مطبوعات را واسطه‌ای می‌پنداشتند که توسط آنها «ترقی» و «تمدن» توسعه می‌یافت. بنابراین شگفت‌آور نیست که آنها توجه خود را به مطبوعات ژاپن معطوف کردند.

در مقاله نهم ژوئن ۱۸۸۰ م.، «اختر» کل تیراژ روزنامه‌های ژاپن را تنها در یک سال ۳۳ میلیون نسخه برآورد می‌نماید. این مقاله چنین بیان می‌دارد که به مدت ۱۲ سال، در ژاپن جراید در فواصل معینی چاپ و منتشر می‌شدند که به عقیده روزنامه‌های معروف آلمان، این موضوع یکی از دلایل پیشرفت ژاپن در توسعه و تکامل فکری ساکنان این سرزمین بوده است. بیشتر روزنامه‌های ژاپن روزانه منتشر شده و در ترن‌ها و کالسکه‌ها در معرض فروش قرار می‌گرفتند. به عقیده «اختر» روزنامه‌های منتشر شده در توکیو و اوزاکا (Osaka) در پیشرفت این کشور، سهم مهمی داشته‌اند.^{۳۴}

از آغاز قرن هفدهم تا اواسط قرن نوزدهم، آگهی‌های دستی در شهرهای ژاپن به مناسبت‌های مختلف و بروز رویدادهای مهم چاپ شده و به فروش می‌رسید. اولین روزنامه‌ها در دهه ۱۸۶۰ م. ظاهر شدند که توسط خارجی‌ان و برای خود آنان به زبان‌های ژاپنی یا انگلیسی منتشر می‌شدند. مطبوعات محلی از ۱۸۶۸ م. پدیدار شدند، اولین اخبارنامه که روزانه چاپ می‌شد، «یوکوهامامین چی شینبون» (Yokohama mainchi shinbun) بود که در ۱۸۷۱ م. چاپ گردید.^{۳۵} روزنامه‌ها در آوریل ۱۸۹۶ م. قانونی شدند و به یکی از راه‌ها و وسایل نشر اخبار و ارتقای عقاید سیاسی تبدیل



«میتسو هیتو»، میکادوی ژاپن (نقل از روزنامه چهره‌نما، ش ۲۶، ص ۵)

اکثر مردم ژاپن بر این باور بودند که با تلاش همگانی می‌توان ترقی را برای کشور به ارمغان آورد.

از سوی حکومت ژاپن به منظور فراگیری اصول و جنبه‌های مختلف تمدن‌های خارجی به اروپا و ایالات متحده اعزام شدند. این افراد دو هدف عمده را تعقیب می‌کردند: اول، آنها می‌خواستند اطلاعات بیشتری در مورد علوم غربی و تکنولوژی، انجمن‌های سیاسی و وضعیت جوامع غربی به دست آورند؛ دوم، در تلاش بودند تا به کشور خود رسمیت دیپلماتیک بخشند و «عهدنامه‌های نابرابر» را اصلاح نمایند.^{۳۱}

مهم‌ترین هیأت سفرای ژاپن به سرپرستی ایواکورا تومومی (Iwakura Tomomi)، وزیر امور خارجه، در نوامبر ۱۸۷۱ م. ژاپن را به مقصد اروپا و ایالات متحده ترک کرد و حدود دو سال بعد به وطن بازگشت.^{۳۲} یک سال پیش از آن که «ایواکورا» به مأموریت مشهور خود اعزام گردد، وی هیأتی به پایتخت عثمانی گسیل داشت. هشت سال بعد در ۱۸۷۸ م. کشتی آموزشی ژاپن به نام «سیکی» (Seiki) به استانبول وارد شد و شور و هیجان فراوانی آفرید.^{۳۳} در پاییز ۱۸۹۰ م.، دو کشتی جنگی ژاپنی، ملوانان بازمانده کشتی «ارطغرل» (Ertghrul) را به پایتخت عثمانی آوردند. این کشتی در سپتامبر همان سال در نزدیکی جزیره‌ای ژاپنی به نام «اوشیما» (Oshima) غرق شده بود.^{۳۴}

در پنجم آوریل ۱۸۸۰ م. فرستاده‌ای از سوی وزیر امور خارجه ژاپن به نام یوشیدا ماساهارو (Yoshida Masaharo) به همراه یک افسر ارتش و پنج بازرگان، توکیو را به مقصد تهران ترک کردند.^{۳۵} این هیأت با کشتی ابتدا از طریق هنگ‌کنگ و بمبئی در ۲۰ می ۱۸۸۰ م. وارد بوشهر گردیدند. پس از دیداری کوتاه از بین‌النهرین، راه

(zengarden) در محوطه نمایشگاه شیکاگو برپا نماید.^{۳۶} اگرچه ژاپن تا قبل از ۱۹۷۰ م. در اوزاکا میزبان هیچ نمایشگاهی نبود، ولی در هر حال، برنامه‌هایی برای نمایشگاه ملی توکیو در ۱۸۹۰ م. تدارک دیده بود: «از میان همه اقداماتی که در زمینه تمدن اروپایی، تاکنون، در این بخش [از جهان] صورت گرفته، تنها برپایی نمایشگاه باقی می‌ماند، لذا در این خصوص اقداماتی صورت خواهد گرفت، گفته می‌شود... که تاکنون در هیچ یک از کشورهای آسیایی چنین نمایشگاهی برپا نشده است.»^{۳۷}

«اختر» در ادامه می‌نویسد که در آغاز ۱۸۹۱ م. حکومت ژاپن برای نشان دادن نمونه جواهرات و منابع معدنی کشور، سرمایه‌گذاری لازم را نمود. علاوه بر این، سلاح‌ها و ابزار شکاری که توسط مردم عهد قدیم به کار می‌رفتند و سلاح‌های مدرن جانشین آنها در معرض دید عموم قرار گرفت. یک بخش ویژه نمایشگاه نیز به عتیقه‌جات متعلق به موزه ملی اختصاص یافت.

ژاپنی‌ها نه تنها در صدد بودند تا صنعت خودشان را به پای صنایع اروپایی و علوم نوین برسانند، بلکه مایل بودند تا به «جهان نظام یافته» طبقه متوسط اروپا نیز بپیوندند. نمایشگاه‌های جهانی «نه تنها کالاها را در معرض فروش قرار می‌دادند، بلکه نظرانی را نیز درباره روابط بین ملت‌ها، گسترش آموزش، پیشرفت علم، تشکیل شهرها، طبیعت زندگی محلی و جایگاه هنر در جامعه، عرضه می‌کردند.»^{۳۸}

○ پیشرفت ژاپن و اتحاد آسیا:

بین ۱۸۷۰ و ۱۹۰۰ م. در حدود نهمصد فرستاده

گردیدند. از ۱۸۷۲ م. به بعد، سالن‌های مخصوص مطالعه در سراسر کشور تأسیس شد.^{۳۹} هدف اصلی روزنامه‌ها «توسعه آگاهی مردم» یعنی «تخریب روح غرور و تعصب بی‌جا و هدایت [مردم] به سوی تمدن و روشنگری بود.»^{۴۰}

روشنفکران ژاپنی، همانند ایرانیان معاصر خود، مطبوعات را به عنوان یک مبتکر و استاد پیشرفت و نوسازی، مد نظر داشتند. تعدادی از این روشنفکران مقالاتی به نفع افراد فرودست جامعه منتشر می‌ساختند.

○ نمایشگاه‌های جهانی:

از ۱۸۸۷ م. تا ۱۸۹۳ م.، «اختر» مقالات متعددی در ارتباط با نمایشگاه‌های مختلف جهانی به چاپ رساند. این مقالات به‌طور گسترده‌ای درباره نمایشگاه‌های پاریس ۱۸۸۹ م. و شیکاگوی ۱۸۹۳ م. بحث می‌کردند. نمایشگاه‌های جهانی نقش مهمی در گفتمان نوسازی داشتند زیرا آنها «بهترین تولیدات» ملل صنعتی جهان را در معرض دید همگان قرار می‌دادند.^{۴۱} این نمایشگاه‌ها، همچنین «با ارائه تولیدات مختلف به عموم، در امر رقابت مؤثر بودند». بنابراین، اگر ژاپن می‌خواست عضوی از دنیای «متمن» به حساب آید، بایستی به این رقابت می‌پیوست. در ۱۸۹۲ م.، «اختر» تصمیم ژاپن برای مشارکت در نمایشگاه جهانی شیکاگو را اعلام کرد. آن گونه که مقاله شرح داده است، ژاپن قصد داشت تا یک غرفه سنتی ژاپن برای نمایش محصولاتش برپا نماید. علاوه بر این دولت ژاپن قصد داشت تا غرفه را پس از اتمام نمایشگاه، همچنان به همان صورت باقی نگهدارد.^{۴۲} ژاپن همچنین قصد داشت تا یک «باغ ذن»



«سید جمال‌الدین»، دارنده «حبل‌المتین»

در طول نیمه دوم قرن نوزدهم در امپراتوری عثمانی و ایران، پیش از آن که اساس تعلیم و تربیت عموم مد نظر قرار گیرد، تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان گسترش یافت



آموختن صنایع جدید و اصلاحات اروپا چندان مشکل نبود. فقط کافی بود شخص، تجربه‌ای را که دیگران به سختی به دست آورده‌اند کسب کرده و اقدامات لازم را در مورد آن به کار برد. دو خصلت انسانی برای رسیدن به ترقی و تمدن، «حرکت» و «غیرت» است که متأسفانه آسیایی‌ها فاقد آن بودند. برجسته‌ترین عقیده در این قاعده‌بندی این است که شخص هر چه را که به نظرش مناسب می‌رسد، اخذ نماید. از زمان مطالعات هندیان، روشنفکران ژاپنی مشتاقانه می‌کوشیدند تا از هم‌نمایان اروپایی خود بیاموزند و از یافته‌های جدیدی که مفید می‌دیدند، نسخه‌برداری و تقلید نمایند. این عقیده در طول دوره «میجی» که صدها ژاپنی برای مطالعه صنایع و انجمن‌های سیاسی آمریکا و اروپا به خارج از کشور رفتند، تقویت گردید.

به عقیده خوانندگان «اختر» این باور تا حدودی عجیب جلوه می‌کرد. البته ایرانیان اصلاح‌طلب نیز در تلاش بودند تا حکومت و هموطنان خود را متقاعد سازند که اگر می‌خواهند نظام مملکت پا بر جا بماند، ناچار بایستی شیوه‌هایی چند از اروپاییان مورد تقلید قرار گیرد. علاوه بر دانشجویان و دیپلمات‌هایی که به خارج اعزام می‌شدند، دو پادشاه ایرانی و یک سلطان عثمانی نیز در طول قرن نوزدهم از اروپا دیدن کردند. در هر حال، همان‌گونه که می‌رزاملکم خان بیان می‌کند، موانع زیادی بر سر راه آنها بود. تعصب در مورد برتری مذهب و تمدن اسلامی از دیر باز در باور مردم وجود داشته است. به طور کلی عموماً عثمان‌ها و ایرانیان فاقد «حمیت» (غیرت) ژاپنی‌ها برای فراگیری هر چه بیشتر از غرب در سریع‌ترین مدت زمان ممکن بودند. آنها ابتدا تمایلی به تقلید از غرب نداشتند. در

۲) بنیانی که آسیا می‌توانست بر پایه آن وضعیت خود را بهبود بخشد، چیست؟
۳) آیا مردم آسیا به باهوشی اروپاییان نیستند؟
۴) چه گام‌های ضروری برای کسب تمدن و ترقی بایستی برداشته شود؟
۵) حکومت‌های آسیایی چه تعهداتی برعهده دارند؟
این سؤالات مشابه پرسش‌هایی بود که برای نخبگان کشورهای دیگر وجود داشت. آنها می‌خواستند بدانند که چرا در امور نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، پشت سر اروپاییان لنگ لنگان قدم برمی‌دارند. در هر حال، این متن به دلیل جواب‌های نویسنده، از اسناد ایرانی و ترکی مشابه مجزا گردیده است.

عبارتی کلیشه‌ای که اغلب در بحث راجع به «ترقی غرب» و «عقب‌ماندگی شرق» به کار رفته، اصطلاح «در غفلت» بودن مردم آسیاست. گزارش چنین می‌گوید که هر زمان مردم اروپا در کار تحقیقات و ترقی بوده‌اند، آسیایی‌های نقطه مقابل آنان در غفلت و بطالت دست و پا می‌زده‌اند. کافی بود مردم آسیا به خود آیند و بفهمند که این قاره ملزومات و توانمندی‌های اساسی برای ترقی و آبادی را دارد. مساحت قاره آسیا سه برابر قاره اروپا و جمعیت آن به‌طور قابل توجهی، بیشتر بود. علاوه بر این، تعداد بسیار زیادی معادن پرسود در سرزمین آنها قرار داشت. هوش و نبوغ مردم آسیا به هیچ‌وجه کمتر از اروپاییان نبود. برعکس، آنها زمانی برتر از دیگر تمدن‌ها بوده‌اند. متأسفانه به واسطه غفلت و فقدان علم و آموزش، مردم این قاره تا آنجا که به ترقی و تمدن مربوط می‌شود از قافله عقب مانده‌اند. در هر صورت، گزارش چنین ادامه می‌دهد که

خود را به داخل ایران ادامه داده و از طریق شیراز و اصفهان به سوی پایتخت ایران روانه شدند. این هیأت در اکتبر همان سال به تهران رسید و به حضور ناصرالدین شاه (فرمانروایی ۹۶-۱۸۴۸ م.) شرفیاب شد، که وی اجازه تجارت با ایران را برای آنان صادر کرد. این گروه سپس از طریق روسیه به استانبول رفت و با سلطان عبدالحمید دوم (فرمانروایی ۱۹۰۹-۱۸۷۶ م.) ملاقات کردند. همانند دیگر فرستادگان، این هیأت به طرز جالبی پیش‌نویس گزارشی را تهیه نموده و مسافرت خود را «سفر برای گشودن باب مراوده با ایران»^{۴۳} نامید.

متأسفانه، در منابع فارسی از این هیأت فقط در حاشیه و در مآخذ عثمانی حتی از این میزان نیز کم‌تر یاد شده است.^{۴۴} در اینجا، مراجعه مجدد به «اختر» بسیار سودمند است. در ۲۳ مارس ۱۸۸۱ م. طی چاپ مقاله‌ای، این روزنامه اعلام کرد که گزارشی از این هیأت ژاپنی در مورد ترقی و اصلاحات در آسیا دریافت نموده است. این گزارش زمانی تهیه شده که اعضای این گروه در راه بازگشت به ژاپن در استانبول توقیفی داشته‌اند. در مقدمه این مطلب، سردبیر ادعا می‌کند که از این گزارش ترجمه‌ای به دست وی رسیده که قسمت اول آن را در همان شماره و قسمت دوم را در شماره بعد به اطلاع خوانندگان خواهد رساند.^{۴۵}

مقاله، توسط نویسنده به شکل یک پرسش‌نامه به همراه جواب‌های آن تهیه شده است. سؤالات مطرح شده بدین شرح است:

۱) اروپا مانند آسیا، فقط نام قاره است. چرا با وجود آن که آسیا زمانی با شکوه و قدرتمند بوده، امروز فقط این اروپایست که یک سر و گردن بالاتر از بقیه دنیا قرار دارد؟



امپراتور میجی و پنج اصل میثاق امپراتوری

**پیش از جنگ روسیه و ژاپن،
که به ناگاه توانمندی های ژاپن
در معرض دید عموم جهانیان
قرار گرفت،
در ۱۹۰۳ م.
صدراعظم ایران،
میرزا علی اصغر خان
امین السلطان،
که به تازگی از مقام
صدارت برکنار شده بود،
به دلیل علاقه شخصی
از کشور ژاپن دیدن کرد**

هر حال، طی سه دهه اول حکمرانی «میجی» در ژاپن، قابل توجه ترین مسأله «این بود که آنها به طور کامل به حد بالای ترقی و تکامل برسند، بی آنکه در راه رسیدن به این هدف، بی اعتمادی و تردید در دل ها پدید آید.» اکثر مردم ژاپن بر این باور بودند که با تلاش همگانی می توان ترقی را برای کشور به ارمغان آورد.^{۸۴}

علاوه بر آگاهی از این تمایل ژاپنی ها، حداقل برای خوانندگان ایرانی آن عصر یک عقیده کلی و جدید در این گزارش، توسعه یافته است: «چه کار باید کرد تا بتوان آسیا را به سوی ترقی و تمدن سوق داد؟ در ارتباط با گام های رو به جلو، اولین شرط برای کل سرزمین های آسیایی که می بایست مد نظر قرار گیرد، این است که با هم یکی شده و هر زمان که لازم باشد، معاهدات صلح و دوستی بین

آنان منعقد شود. فایده اتحاد بین دولت های آسیایی چیست؟ سودمندی های اتحاد آسیا بسیار است، اما مهم ترین اصل برای بهبود اوضاع و وضعیت سیاسی در آسیا روابط دوستانه و اتفاق حکومت های این قاره خواهد بود. این موضوع برای رسیدن به نتایج خرسندکننده [در مبارزه] علیه سیاست های خصمانه اروپاست.»^{۸۵} گزارش چنین اظهار می دارد که مردم آسیا مانند گوسفندانی بودند که در چراگاه های اختصاصی خود، بی آن که به همسایگان خود وقتی گذارند، به چرا مشغول بودند. به ناگاه شیرهای اروپایی سر و کله شان پیدا شد. آنان که نتوانسته بودند به قدر کافی در سرزمین های خود غنایم به چنگ آورند، به ناچار راه خویش را به سوی خارج از مرزهای خود، کج کردند. برای اینکه ملل آسیایی مانند صید در تور نفوذ بعدی اروپایی اسیر نگردند، باید با یکدیگر مشارکت نمایند.

اتحاد و مشارکت برای مسلمانان عقاید تازه ای نبود.^{۸۶} نظریه های مختلف در مورد اتحاد اسلامی در جهان اسلام از قبل وجود داشت و تلاش های سلطان عبدالحمید دوم برای ایجاد «پان اسلامیسیم» در تاریخ زبانزد خاص و عام است. در هر صورت، پیشنهاد یک اتحاد آسیایی احتمالاً به رهبری ژاپنی ها، حقیقتاً نکته نوظهوری بود. البته، هر کس که می دانست ژاپنی ها طی چند دهه اخیر به چه دستاوردهای خیره کننده ای رسیده اند، آنان را تحسین می کرد. اما تردید داریم که کسی نتوانسته باشد تصور نماید که چنین همکاری تحت رهبری مردمی بی دین و بی اعتقاد عملی گردد. در هر حال، به نظر می رسد که نویسنده این گزارش اختلافات دینی را در نظر داشته است، چون در انتهای گزارش چنین می گوید: «آخرین وظیفه ما تأیید درخواست هایی دال بر صمیمیت و یکی کردن پایه و اساس برای خوشبختی، ترقی و صلح در کل آسیاست. بنابراین، می بینیم که این هدف هیچ گونه منافاتی با مذهب و غیره ندارد.» به محض این که حکومت های آسیایی روابط دوستانه را توسعه می دادند، بایستی سریعاً اقدامات بعدی را دنبال می کردند: «آنها باید به هر شکل ممکن از به کارگیری کشتی و دیگر تولیدات و وسایل اروپایی مربوط به حمل و نقل خودداری نمایند. بدین ترتیب آنها به اروپاییان اجازه نخواهند داد تا توسط این ملزومات امور آسیایی ها را در دست گیرند.»^{۸۷}

دوم اینکه، گام های بعدی باید در جهت بهبود وضعیت تجارت و کشاورزی برداشته می شد. واضح است که تجارت مهم ترین راه ارتباطی بین دولت های مختلف آسیایی بود.

سوم اینکه، مدارس آسیایی بایستی تمام زبان های اروپایی را تدریس می نمودند، ولی از به کار بردن آن زبان ها جداً باید خودداری می کردند. خارجیانی نمی بایستی به هیچ وجه از مسائل مربوط

به روابط بین حکومت های آسیایی با خبر گردیده و باید از دخالت آنها جلوگیری به عمل می آمد، چون قصد آنها برهم زدن این روابط بود. اروپاییان برای رسیدن به این مقصود، اگر لازم می شد تا آنجا پیش می رفتند که همکاری بین کشورهای آسیایی را قدغن نمایند. هیچ نزاعی نباید بین همسایگان آسیایی صورت می گرفت، زیرا این موضوع می توانست بهانه ای برای دخالت نظامی اروپاییان گردد.

نویسنده گزارش بالا ابتدا نامی از ایران نمی برد، این در حالی است که هیأت فرستادگان در حال بازدید از ایران به منظور «گشودن باب» تجارت با این کشور بود. علاوه بر این، نویسنده از امپراتوری عثمانی نیز نامی نمی برد. به نظر می رسد که عمیقاً نگران تأثیر اروپا بر خاورمیانه است. به جای اینکه نویسنده خواستار این باشد که یک ساختار نوین حمل و نقل ایجاد گردد، به طور مثال، وی به خوانندگان هشدار می دهد که حمل و نقل نوین آسان ترین راه برای دشمن است تا با آن در امور داخلی آنها دخالت نماید. روشن است، گزارش، بازتاب تغییر در خط مشی ژاپن نسبت به غرب است که از مشخصه های اواخر دهه های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ م. می باشد.

دو نفر از «پیشگامان غربی سازی» سابق ژاپن به نام های فوکوزاوا یوکیچی (Fukuzawa Yukichi) (۱۸۲۵ تا ۱۹۰۱ م) و توکوتومی سوهو (Tokutomi Soho) (۱۸۶۳ تا ۱۹۵۷ م.) شیوه ای انتقادی نسبت به تقلید محض از متدهای غربی اتخاذ نمودند. آنها به دلیل گسترش امپریالیسم غرب در قاره های آسیا و آفریقا احساس دل سردی می کردند. توکوتومی حتی تا آنجا پیش رفت که غرب را متهم ساخت که در صدد تأسیس انحصاری جهانی است که مطلوب «نژادهای سفید» می باشد. اگرچه ژاپن «مترقی ترین، توسعه یافته ترین، متمدن ترین و قدرتمندترین کشور شرق بود»، با این وجود از «تحقیر سفیدپوستان» رنج می برد. این بستگی به ژاپن داشت که با نابودی این «انحصار جهانی...» حقوق خاص نژادهای سفید آسیا را نجات دهد.^{۸۸} متأسفانه، نه خوانندگان «اختر» و نه دست اندرکاران آن اظهار نظری درباره پیشنهادات مطرح شده در گزارش بالا نکرده اند. در هر حال، تلاش های ژاپن را در جهت متحد ساختن آسیا، روزنامه فارسی زبان دیگری تشخیص داد. حدود سه دهه پس از مأموریت یوشیدا ماساهارو در ایران، «حبل المتین» در مورد آرزوی امپراتور ژاپن برای چنین اتحادی اظهار کرد: «به مدت دو سال امپراتور موتسوهیتو (Mutsumoto)، علاقه کامل خود را برای اتحاد ملل شرقی و سلاطین شرق ابراز داشت. به همین علت، هیاتی ویژه به دربار ایران و گروهی از نیروی دریایی به استانبول اعزام داشت. اما از آنجا

که نه ما و نه برادران عثمانی از سودمندی [چنین اتحادی] یاخبر نبودیم و نه تشخیص دادیم که روابط سریع با ژاپن چقدر می‌توانست برایمان سودمند باشد، از دادن دست دوستی و همکاری با این دولت قدرتمند شرقی امتناع ورزیدیم.»^{۲۶}

○ نتیجه:

اطلاعاتی که درباره ژاپن به خوانندگان «اختر» می‌رسید از چه نوع بود؟ همان‌گونه که قبلاً مشاهده نمودیم، در اشاره به ژاپن، تمرکز مقاله بر جریان نوسازی، شامل اصلاحات سیاسی و نظامی، اجرای عدالت، تعلیم و تربیت، بازرگانی، مطبوعات، راه‌آهن و نمایشگاه‌های جهانی بود. تمدن، به عنوان آخرین مرحله ترقی، مفهومی قراردادی برای غربی‌سازی پیدا کرده بود. در قضاوت «اختر»، ژاپن در تمامی این زمینه‌ها موفق شده بود. در این خصوص، دولت شرق دور می‌توانست خیلی خوب در نقش یک الگوی نوسازی در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد که این کشور رهبری علیه سلطه غرب را برعهده داشته و دخالت قدرت‌های غربی را به حداقل رسانده باشد. به همین دلیل، ژاپن به طور فزاینده‌ای از سوی مسلمانان تحسین می‌شد و با پیروزی بر روسیه در ۱۹۰۵ م. این تحسین به اوج خود رسید.

در هر صورت، محدودیت‌های خاصی برای تقلید از ژاپن به عنوان یک الگو وجود داشت. برخلاف امپراتوری عثمانی، ژاپن در تقلید از تمدن غرب بدون اینکه شخصیت فرهنگی خود را از دست بدهد به مردم در قبول یادگیری نوسازی کمک می‌کرد. به خاطر تجربه تاریخی ناهمانند و درک متفاوت، رهبران امپراتوری عثمانی و ایران در عاریه گرفتن تمدن از اروپا تردید داشتند.^{۲۷}

با این وجود، گفتمان پیرامون نوسازی در «اختر» نشان می‌دهد که چگونه خوانندگان این مقالات نگران عدم توسعه کشور بوده‌اند. تجزیه و تحلیل مقاله‌ها و نامه‌هایی که به سردبیر نوشته شده، روشنگر این مطلب است که تا چه اندازه بسیاری از تجار، دیپلمات‌ها و روشنفکران ایران مایل به نوسازی کشور بوده‌اند و بی‌میلی فوق را نیز نشان نداده‌اند. طرفداران «ترقی» اغلب یأس خود را از اینکه اصلاحات در ایران توسط اروپا، نادیده گرفته شده، ابراز داشته‌اند. همان‌گونه که نویسنده‌ای در نامه خود به سردبیر اظهار می‌دارد، اگر چه ایرانیان مشتاقانه در تلاش برای ترقی بودند، اما گام‌های بلند ایران و ژاپن کاملاً به وسیله اروپاییان نادیده انگاشته می‌شد.^{۲۸}

ژاپن کاملاً آماده کسب دانش غرب بود و طی سه دهه نخستین حکومت «میجی» با میل و رغبت خود را در آغوش «تمدن نوین» انداخت. در پایان قرن نوزدهم، خط مشی ژاپنی‌ها نسبت به غرب به گونه قابل ملاحظه‌ای تغییر کرد. گزارش نوشته‌شده



مدرسه ابتدایی در ژاپن، حدود سال ۱۸۹۰ م.

بنابر نوشته‌های روزنامه اختر، از زمان مطالعات هلندیان، روشنفکران ژاپنی مشتاقانه می‌کوشیدند تا از هم‌تایان اروپایی خود بیاموزند و از یافته‌های جدیدی که مفید می‌دیدند، نسخه‌برداری و تقلید نمایند

پی‌نوشت‌ها:

۱) این مقاله در یک نسخه‌ی مختصرتر در سومین کنفرانس اروپایی مطالعات ایران‌شناسی، کمبریج، سپتامبر ۱۹۹۵ م. ارائه گردید.

- 1) Mirza Malkom Khan, "Persian Civilization", Contemporary Review 54 (February 1891):242.
- 2) Klaus Kreiser, "Der japanische Sieg über Rußland (1905) und sein Echo unter den Muslimen", Die Welt des Islam 21 (1981):211,221-22,234.

۳) «حبل‌المتین» توسط دو برادر، یکی در کلکته و دیگری در تهران (۱۹۳۱-۱۸۹۳ م.) چاپ می‌گردید. بنگرید به: محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد. (اصفهان، ۱۳۶۴ ش.)، جلد اول، صص ۲۰۸-۲۰۰.

4) Hashem Rajabzadeh, "Russo-Japanese War as Told by Iranian", Annals of Japan Association for Middle East Studies 3, no2 (1988):145,152,159.

۵) درباره «اختر» بنگرید به:

- Orhan Kologlu, "Akhtar", journal persan d'Istanbul", in Thierry Zaoune and Fariba Zatinebaf-Shahr, eds., Les Iraniens d'Istanbul (Paris, Tehran and Istanbul, 1993), 133-40; Anja Pistor-Hatam, "The Persian Newspaper Akhtar As A Transmitter of Ottoman Political Ideas", in ibid., 141-47; Naser al-Din Parvin, "Akhtar-e-Eslambol", Iran Shenasi 7, no.2 (1374 sh./1995):323-46.

رئیس‌نیا، رحیم: ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ۳ جلد. (تبریز، ۱۳۷۴ ش.)، مجلد ۱ و ۲.



ماشین‌های بخار، ماشین‌آلات قدرتی، راه‌آهن و کارخانجات بسازیم. تعلیم و تربیت ژاپن را قادر ساخته است تا خود را طی یک نسل از جامعه‌ای ضعیف و عقب‌مانده به ملتی قدرتمند و پیشرفته مبدل سازد. لذا تعلیم و تربیت، ایران را قادر خواهد ساخت تا نه تنها شکوه باستانی خود را بازیابد، بلکه باعث خلق نسلی جدید خواهد گردید که از برابری فردی، عدالت اجتماعی، آزادی شخصی و ترقی ملی آگاه خواهد بود.» به نقل از «یرواند ابراهامیان در:

"The Causes of the Constitutional Revolution in Iran", International Journal of Middle East Studies 10 [1979]:401.

(۲۷) به نقل از:

R.P.Dore, "Education: Japan", in Robert E. Ward and Dankwart A. Rustow, eds., Political Modernization in Japan and Turkey (Princeton, 1964), 188.

28) Beasley, Rise of Modern Japan, 93.

29) R.P.Dore, "The Legacy of Tokugawa Education", in Marius B.Jansen, ed. Changing Japanese Attitudes towards Modernization (Princeton, 1965), 100-101.

30) Beasley, Rise of Modern Japan, 94.

درصد دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی حضور یافته‌اند براساس ناحیه یا شهر محل زندگی تفاوت دارد. بنگرید به:

Richard Rubinger, "Education from One Room to one System", in Marius B.Jansen and Gilbert Rozman, eds., Japan in Transition from Tokugawa

International Society", in Hedley Bull and Adam Watson, eds., The Expansion of International Society (Oxford, 1984), 186.

15) Hirakawa Sukehiro, "Japan's Turn to the West", in Marius B.Jansen, ed., The Cambridge History of Japan, 5 Vols. (Cambridge, 1989), 5:443-44.

16) William G. Beasley, The Rise of Modern Japan (London, 1990), 84-85.

۱۷) «تمدن و روشننگری» یکی از شعارهای حکومت «میجی» بود. بنگرید به

Sukehiro, "Japan's Turn to the West", 467.

۱۸) «وقت» از ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۳ م. در استانبول چاپ می‌شد.

۱۹) اختر، ۱۰ مارس ۱۸۸۰، ۱۰۶.

۲۰) اختر، ۸ دسامبر ۱۸۸۶، ۷۹.

۲۱) اختر، ۱۰ مارس ۱۸۸۰، ۱۰۶.

۲۲) «انگلیسیان ممالک آسیا خواهند شد» (اختر، ۱۳ اکتبر ۱۸۸۱، ص ۱۵).

۲۳) اختر، ۱۳ اکتبر ۱۸۸۶ م. اصلاحات نوسازی ژاپن به سبک اروپایی به نظر می‌رسد که در ۱۸۶۸ م. شروع شده باشد، اگرچه ریشه‌های تاریخی آن به آغاز قرن هفدهم برمی‌گردد. بنگرید به:

Schwentker, "Japan im 19. Jahrhundert", 102.

۲۴) از آنجا که اولین روزنامه به نام «ژاپن» (نیهون Nihon)، که به زبان ژاپنی بود در سال ۱۸۸۹ م. منتشر می‌گردید، بنابراین روزنامه‌ای که توسط «اختر» تحت عنوان «اخبار نامه‌ی ژاپن» به آن اشاره شده است می‌تواند روزنامه انگلیسی «ژاپن هرالد» (Japan Herald) باشد که در سال ۱۸۶۲ م. منتشر می‌شد. بنگرید به:

Henk Prakke, Winfried B.Lerg and Michael Schmolke, eds., Handbuch Weltgeschichte, 2 Vols. (Opladen, 1970), 1:269; Kodansha Encyclopedia of Japan, 9 Vols. (Tokyo, 1983), s.v. "Newspaper".

۲۵) اختر، ۲ دسامبر ۱۸۸۰، ص ۲۱-۳۷.

۲۶) اهمیت تعلیم و تربیت توسط روشنفکران ایرانی معاصر نیز روشن گشته است. در ۱۸۹۸ م. یک «انجمن یادگیری» در تهران تشکیل شد که برای تأسیس مدارس آزاد سرمایه جمع‌آوری می‌کرد. رئیس آن، یک بار، یا ذکر نام ژاپن به عنوان یک نمونه موفق، به مفهوم «تعلیم و تربیت» چنین اشاره نمود: «این تعلیم و تربیت است که انسان‌ها را از بهایم، شهروندان سفید را از مردم جاهل بیکاره، انسان‌های متمدن را از بربرهای وحشی جدا می‌سازد. تعلیم و تربیت نوری در تاریکی فرهنگ ایجاد می‌نماید. تعلیم و تربیت به ما یاد می‌دهد تا

مجموعه‌هایی از میکروفیلم «اختر» در کتابخانه دانشگاه کمبریج، دانشگاه شیکاگو (مرکز اسناد خاورمیانه)، دانشگاه توکیو (مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا) و نیز مجموعه کوچکی در دانشگاه مونیخ

(Institut für Geschichte und Kultur des Nahen Orients sowie für Turkologie)

وجود دارد. من مرهون پروفیسور Koichi Heneda، از دانشگاه توکیو، برای نسخه‌ای از میکروفیلم «اختر» که در اختیار اینجانب قرار داد، هستم.

۶) برای جزئیات بیشتر درباره دیدگاه عموم و نامه‌های ارسالی به سردبیر در روزنامه‌های خاورمیانه، بنگرید به:

Christoph Herzog, Raoul Motika and Anja Pistor-Hatam, Press und Öffentlichkeit im Nahen Osten (Heidelberg, 1995).

درباره نامه‌های تجاری به «اختر» بنگرید به:

Anja Pistor - Hatam, "Non-European Views on the Expansion of Europe: Conflicting Views and Emotions Expressed by the Readers of a 19th Century Persian Newspaper", ibid., 107-114.

۷) اختر، ۷ فوریه ۱۸۷۷، ص ۲۸.

۸) ناطق، هم‌امیرزاسلمک خان: روزنامه قانون (تهران، ۱۳۵۱ ش.)، ص ۱.

۹) بنگرید به: محیط طباطبایی، محمد: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران (تهران، ۱۳۶۷ ش.)، ص ۳۹.

۱۰) بنگرید به:

Anja Pistor - Hatam, "Iran and the Reform Movement in the Ottoman Empire: Persian Travellers, Exiles and Newsmen Under the Impact of the Tanzimat", in Bert Fragner et al., eds., Proceedings of the Second European Conference of Iranian Studies (Rome, 1995), 561-88, 572-74.

۱۱) برای مقال بنگرید به:

Hitoshi Suzuki, "A Note on the Jan. 20, 1891 Akhtar Article Concerning the Persian Tobacco Concession", Annals of Japan Association for Middle Eastern Studies 1 (1986): 310-31.

12) Edward G. Browne, The Persian Revolution of 1905-1909 (Cambridge, 1910), 46-49.

13) Wolfgang Schwentker, "Japan im 19. Jahrhundert", in Jürgen Osterhammel, ed., Asien in der Neuzeit 1500-1950. Sieben Historische Stationen (Frankfurt a.M., 1994), 102.

14) Hidemi Suganami, "Japan's Entry into



to Meiji (Princeton, 1986), 213.

31) Rubinger, "Education from One Room", 228.

(۳۲) در واقع، تا ۱۸۸۰ م، ژاپن وزیر آموزش و پرورش نداشت و اولین وزیر در ۱۸۸۵ م. منصوب گردید، ولی فرمان انتصاب وزیر آموزش و پرورش در ۱۸۷۱ م. تصویب شده بود. بنگرید به:

Beasley, Rise of Modern Japan, 95; Rubinger, "Education from One Room", 202, 224-25.

(۳۳) اختر، ۱۰ مارس، ۱۸۸۰ م. ص ۱۰۷-۱۰۶. برای نظام‌نامه بنگرید به:

Beasley, Rise of Modern Japan, 94.

(۳۴) اختر، ۲۳ فوریه ۱۸۸۱ م. ۸۰.

(۳۵) اختر، ۳ فوریه، ۱۸۹۰ م. ۱۹۱.

(۳۶) همان.

(۳۷) اختر، ۸ دسامبر ۱۸۸۶ م. ۷۹.

(۳۸) اختر، ۹ ژوئن ۱۸۸۰ م. ۲۰۹-۲۰۸.

39) Kodansha Encyclopedia of Japan, s. v. "Newspaper".

40) Albert A. Altman, "The Press", in Jansen and Rozman, Japan in Transition, 236-38.

(۴۱) همان، ص ۳۲۷.

(۴۲) همان، ص ۲۴۵.

43) Burton Benedict, The Anthropology of World's Fairs: San Francisco's Panama Pacific International Exposition of 1915 (Berkeley and London, 1983), 2.

(۴۴) اختر، ۸ مارس ۱۸۹۲ م. ص ۲۰۴. ژاپنی‌ها همچنین در ۱۹۰۴ م. در نمایشگاه سن لویی و بعدها

در ۱۹۱۵ م. در نمایشگاه سن فرانسیسکو، غرفه‌های سنتی ایجاد کردند.

(Benedict, Anthropology of World's Fairs, 21, 23).

(۴۵) اختر، ۱۶ اکتبر ۱۸۹۱، ۳۱.

(۴۶) «تا آن زمان نسبت به سایر نمایشگاه‌های جهان بیشترین تعداد بازدیدکننده را داشته (بیش از ۶۴ میلیون نفر) و به نظر می‌رسد که همان اشتیاق و علاقه‌ای را که نمایشگاه ۱۸۸۹ م. پاریس و ۱۸۹۳ م. شیکاگو در ژاپنی‌ها ایجاد کردند، تکرار نمود.

(Benedict, Anthropology of World's Fairs, 36-37).

(۴۷) اختر، ۷ مارس ۱۸۹۰ م. ۲۴۰.

48) Benedict, Anthropology of World's Fairs, 2.

49) Schwentker, "Japan im 19. Jahrhundert", 113.

50) Eugene Sowiak, "On the Nature of Western Progress: The Journal of the Iwakura Embassy", in Donald H. Shively, ed. Tradition and Modernization in Japanese Culture (Princeton, 1971) 7-34.

51) Kreiser, "Der Japanische Sieg", 213.

(۵۲) اختر، ۳۰ دسامبر ۱۸۹۰ م. ۱۵۵؛ ژانویه

۱۸۹۱ م. ۱۶۳؛ ۱۳ ژانویه ۱۸۹۱، ۱۷۱؛ ۲۷ ژانویه

۱۸۹۱ م. ۱۸۸-۱۸۹؛ ۳ فوریه ۱۸۹۱ م. ۱۹۵-۱۹۶؛

۱۷ فوریه ۱۸۹۱، ۲۱۱. برای اقدامات دیپلماتیک

عثمانی - ژاپن راجعه «ارطغرل» بنگرید به:

Kreiser, "Der Japanische Sieg", 213-14.

(۵۳) «ماساهارو» (۱۸۵۲ تا ۱۹۲۱ م.) قاضی اسبق و

مورد زندگی ماساهارو به مقدمه این کتاب و ایران و

ایرانیان از نگاه پوشیدا نخستین فرستاده ژاپن به

دربار قاجار نوشته هاشم رجب‌زاده مراجعه نمایید.

همچنین ویویوشی فوروکاوا

(Nobuyoshi Furukawa) افسر ژاپنی همسفر

ماساهارو گزارشی از سفرهای خود به ایران نوشت.

کتاب وی در ۱۸۹۰ م. پس از این توسط ماساهارو

برای نوشتن سفرنامه‌اش مورد استفاده قرار گرفت در

توکیو به چاپ رسید. این‌جانب از پروفیسور رجب‌زاده،

از دانشگاه اوزاکا، که لطف فرمودند و نسخه‌ای از

ترجمه گزارش سفر ماساهارو را تهیه کردند، بسیار

سپاسگزارم.

54) Nihon Jinmei daijiten (The Big Bibliographical

Encyclopedia of Japan) (Tokyo, 1979), 6:479.

این اطلاعات توسط «الیزابت کاسکه»

(Elisabeth Kaske) از دانشگاه هایدلبرگ، در اختیار

این‌جانب قرار گرفت که لازم است در اینجا از

همکاری وی در ارائه این مأخذ ژاپنی تشکر نمایم.

(۵۵) بنگرید به:

Rajabzadeh, "Russo-Japanese War", 145;

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه: المائر والأثار

(تهران، ۱۳۶۳ ش.)، ص ۳۳۱.

(۵۶) اختر، ۲۳ مارس ۱۸۸۱ م. ۱۱۵-۱۱۶ و ۳۰

مارس ۲۴-۱۲۳. متأسفانه گزارش ماساهارو در

مورد دیدارش از امپراتوری عثمانی در دفتر بایگانی

امور خارجه ژاپن نگهداری شده و تاکنون به چاپ

نرسیده است. به عقیده پروفیسور رجب‌زاده امکان‌ش

بسیار کم است که گزارش نوشته شده برای مقاصد

دولتی، پیش از آنکه مقامات شانس آن را داشته

باشند تا آن را روایت کنند، در اختیار یک روزنامه

خارجی قرار گیرد. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه

گرفت که «گزارش» مذکور که در اختیار «اختر» قرار

گرفته، شامل مطالب خصوصی یکی از اعضای گروه

بوده است.

(۵۷) به نقل از:

Marius B. Jansen, "Changing Japanese Attitudes

Toward Modernization", in idem, Japanese

Attitudes, 43-97, 65-66.

(۵۸) اختر، ۲۳ مارس ۱۸۸۱ م. ۱۱۶.

(۵۹) برای مثال بنگرید به:

Anja Pistor-Hatam, "Tanzimat oder itihad: Zwei

Konzepte Osmanisch-Persischer Eirigung", Turcica

21 (1995): 247-61

(۶۰) اختر، ۳۰ مارس ۱۸۸۱ م. ۱۲۳-۱۲۴ (با تأکید

مضاعف).

61) Ryusaku Tsunoda, Wm. Theodore de Bary and

Donald Keene, eds., Sources of Japanese Tradition

(New York, 1960), 623.

62) Beasley, Rise of Modern Japan, 99.

(۶۳) حبل‌المتین، ۵ آگوست ۱۹۱۲، به نقل از:

رجب‌زاده، «ایران و ایرانیان»، ص ۳۸۳.

64) Cyril E. Black et al., The Modernization of

Japan and Russia: A Comparative Study (New

York, 1975), 115-160.

نویسنده کتاب «نوسازی ژاپن و روسیه» به نام

«بلاک» به اتفاق چند تن دیگر در این کتاب تحقیقی

مقایسه‌ای انجام داده‌اند. وی بی‌میلی مسلمانان برای

عاریه گرفتن تمدن از «غیرمسلمانان» را در کتابش بدین

گونه توصیف می‌نماید: «مغایرت اسلام با بدعت

براساس الگوهای خارجی به دلیل موفقیت سیاستمداران

عثمانی افزایش یافت. از قرن چهاردهم تا قرن هفدهم،

این آیین موقعیت امپراتوری را در اروپا گسترش داد، به

طوری که مسیحیان به عنوان کافران و ذاتاً پست‌تر از

مسلمانان در نظر گرفته می‌شدند. بعدها رهبران سیاسی

و روشنفکران به تدریج بر حس خود بزرگ‌بینی خویش

فائق آمدند و درباره غرب توین کنجکاو شدند، اما تا اوایل

قرن بیستم، که رهبران اصلاح‌طلب کاملاً بر ترکیه

تسلط یافتند، این غرب‌گرایی صورت نگرفت.»

(۶۵) اختر، ۲۴ سپتامبر ۱۸۷۹ م. ۳۰۷.